



دانشگاه شهید
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
مرکز تحقیقات و مطالعات

اَحْيَاءُ مَعْرِجَةِ الرِّجَالِ

المعروف برجال الکشی

لشيخ الطائفة الأفاضلة

أبي جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي قدس

(٢٨٥ - ٤٦٠)

صحيحه وعنه عليه قدم له ووضع فهارسه

حسن المصطفوي

فهرس الكتاب

التصدير بالفارسية	:	محمد واعظزاده الخراساني ، امين المؤتمر الألفى للشيخ الطوسى
		صفحة - ٣ -
المقدمة	:	حسن المصطفوى، مصحح الكتاب
		صفحة - ١١ -
الجزء الأول		ص ٣
الجزء الثانى		ص ٩٠
الجزء الثالث		ص ١٨٣
الجزء الرابع		ص ٢٨١
الجزء الخامس		ص ٣٦٣
الجزء السادس		ص ٤٥٤
الفهارس		ص ٦١٧

از اين كتاب يک هزار نسخه در چاپخانه دانشگاه مشهد بچاپ رسيد .

اسفند ١٣٤٨

نیم‌ابن‌الرحمن الرحیم

کتاب حاضر یکی از مآخذ عمده و یکی از چهار کتاب اصلی علم رجال شیعه امامیه است. گرچه این طائفه همگام با سایر مذاهب اسلامی در همه رشته‌های علمی و بلکه در برخی از رشته‌ها پیش از دیگران دست به تألیف و تصنیف زده‌اند و در معرفی رجال حدیث نیز از قرن دوم بعد آثاری به رشته تحریر درآورده‌اند اما آنچه از دست‌برد حوادث مصون مانده و بدست ما رسیده است از آثار قرن چهارم هجری ببعده است.

شناختن رجال و راویان حدیث، از قرن دوم بعد بخصوص برای طائفه امامیه از این لحاظ مهم و قابل توجه بود که راویانی دروغ‌گو و سودجو و یا فاسدالعقیده در بین مسلمانان عموماً و بین فرق شیعه خصوصاً پدید آمده بودند.

بدیهی است اگر عقیده و ایمان و صداقت و امانت راوی معلوم نباشد طبعاً اطمینانی به روایت او نیست. اختلاف شدید، دسته‌بندیهای دامن‌دار و تضاد عقائد بین مدعیان تشیع و متشیعین موجب آن بود که طائفه امامیه با احتیاط و کنجکاوی بیشتری روایات را بپذیرد، و این خود قهراً آنان را بفحص و تحقیق در سابقه راویان و ضبط و تدوین حالات

وعقائد و آراء رجال حدیث، از جمله کسانی که با ائمه اهل بیت (ع) تماس مستقیم داشتند و جزء اصحاب آنان محسوب می شدند و ادار می کرد.

کتابهای چندی در فهرستها از جمله در کتاب سودمند «مُصَفِّی الْمَقَالَ فی مؤلفی علم الرجال» نوشته علامه فقید شیخ آقابزرگ تهرانی راجع به پیش از قرن چهارم در علم رجال نامبرده شده که از آنها جز همان نام و مطالب نادری که در خلال کتابهای رجال از آنها نقل می شود، اثری بجای نمانده است.

اما چهار کتاب اصلی رجال عبارت است از :

۱- رجال کشی که در اصل «معرفة الناقلين» نام داشته و مؤلف آن ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی است که در نیمه اول قرن چهارم هجری همزمان با محدث معروف ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی صاحب کتاب «کافی» می زیسته و در بسیاری از مشایخ و تلامیذ با وی شریک بوده است. کلینی در سال ۳۲۹ در گذشته است اما تاریخ تولد و وفات کشی در دست نیست کما اینکه اصل کتاب «معرفة الناقلين» تألیف کشی از میان رفته و آنچه در دست ما است اختیار و انتخاب آن، اثر شیخ طوسی است.

۲- کتاب «الأبواب» معروف بر رجال شیخ طوسی.

۳- کتاب «الفهرست» از شیخ طوسی.

۴- کتاب «الفهرست» معروف بر رجال نجاشی تألیف ابوالعباس احمد

ابن الحسین النجاشی متوفی بسال ۴۵۰ هجری معاصر شیخ طوسی.

معرفی و شرح خصوصیات این چهار کتاب هر یک نیازمند برساله و کتابی است و از حوصله این مقدمه کوتاه خارج است آنچه در اینجا مناسب مقام، و مورد نظر اینجانب است بیان چند نکته می باشد :

نکته اول - صرف نظر از دو کتاب رجال و فهرست که تألیف شیخ طوسی است این دانشمند در دو کتاب دیگر نیز ذی سهم است زیرا کتاب

«معرفة الناقلين» کشتی همانطور که گفته شد اصل آن از بین رفته و رجال کشتی موجود اختیار و انتخاب شیخ طوسی است، و در حقیقت از آثار و تألیفات او است. و اما کتاب فهرست نجاشی گرچه در حیات شیخ طوسی توسط ابوالعباس نجاشی تدوین گردیده اما **نجاشی** بطور حتم کتاب خود را پس از تألیف فهرست طوسی و با اطلاع از آن و با توجه بمندرجات و برگردۀ آن نوشته است. وی در ترجمۀ شیخ طوسی کتاب فهرست را جزء کتب وی نام می برد و گرچه در مباحث کتاب، صریحاً مطلبی از فهرست شیخ نقل نکرده و نامی از آن بمیان نیاورده است اما بر اهل فن پوشیده نیست که در تراجم رجال و کیفیت تعرض مطالب، بفهرست شیخ، نظر داشته و سبک بیان و تعبیر و ترتیب دادن مطالب حاکی از آنست که نجاشی آن کتاب را هنگام تألیف فهرست پیش نظر داشته است و حتی در پاره ای از موارد بی نظر بتصحیح مطالب فهرست شیخ نبوده است.

این نکته را برای اولین بار استاد فقید مرحوم **آیة الله بروجردی** رضوان الله تعالی علیه متذکر گردید و نگارنده طی مطالعه و مقایسه این دو کتاب بایکدیگر، بر این حقیقت، وقوف حاصل کرد. پس در حقیقت باید گفت «رجال نجاشی» مکمل و اولین ذیل بر فهرست شیخ طوسی است.

از این چهار کتاب که بگذریم برخی از کتابهای رجال و فهرست پس از آن، بعنوان ذیل فهرست و یا شرح رجال شیخ تألیف گردیده است از قبیل معالم العلماء **ابن شهر آشوب مازندرانی** و فهرست شیخ **منتجب الدین بن بابویه** دانشمندان قرن ششم هجری و جز آن. و چنانکه می دانیم در بقیه کتب رجال هم استناد عمده بهمین چهار کتاب می باشد. و بهر حال این نکته مسلم است که شیخ طوسی نه تنها در فنون مختلف فقه (فقه تطبیقی و تفریعی و فقه منصوص) و تأسیس اساس اجتهاد بمعنی واقعی و همچنین

در علم تفسیر قرآن و تدوین حدیث، از پیشوایان و مؤسسان است بلکه تأثیر وی را در ابتکار و پی‌ریزی فنون مختلف علم رجال شیعه نباید از نظر دور داشت .

نکته دوم اینکه درست مشخص و معلوم نیست که شیخ طوسی در انتخاب رجال کشی چه عملی انجام داده است آیا همانطور که برخی گفته‌اند کتاب اصلی مشتمل بر رجال عامه و خاصه بوده و شیخ ترجمه رجال شیعه را از آن میان انتخاب کرده است ، یا اینکه اغلاطی که در آن وجود داشته بنظر شیخ تصحیح گردیده و یا صرفاً مطالب آن را مختصر و کوتاه نموده یا عمل دیگر بجز این، روی آن کتاب انجام داده است؟ در این خصوص مصحح دانشمند چاپ حاضر در مقدمه محققانه خود بحث کرده و نظریه تازه‌ای اظهار می‌نماید. بعقیده ایشان شیخ، کتاب رجال کشی را بر تلامیذ خود قرائت و املاء می‌کرده و در اثناء املاء تغییراتی در آن می‌داده است اما بعداً فرصت تجدیدنظر در آن نسخه را پیدا نکرده و بهمین علت نسخ اختیار الرجال همه نامنظم و مشتمل بر اغلاطی است. شاید بهمین علت هیچ‌یک از نسخ خطی دارای خطبه و دیباچه نمی‌باشد و نامی از شیخ در اول آن برده نشده است .

این احتمال نیز بجا است که بگوئیم تغییرات شیخ در این کتاب آن قدر کم بوده که وی آنها را قابل نام تألیف جداگانه ندانسته و بهمین جهت این کتاب را جزء آثار و تألیفات خود نمی‌دانسته و صرفاً وی ناقل و املاء کننده و مصحح کتاب کشی بوده است .

آنچه مسلم است شیخ این کتاب را در فهرست جزء تألیفات خود ذکر کرده است لیکن بطور حتم ، این اثر، جزو کارهای علمی اواخر حیات او می‌باشد و بطوریکه سید ابن طاووس که از طرف مادر نسبت به شیخ طوسی

می‌رساند در کتاب فرج المهموم (ص ۱۳۰، ط نجف) نقل رده جد او شیخ طوسی در سه‌شنبه ۲۶ صفر ۵۶۱ یعنی پنج سال پیش از وفات، املاء آن را بر شاگردان در نجف، آغاز کرده و فرموده است: «هذه الأخبار اختصرتها من كتاب الرجال لأبي عمرو ومحمد بن عمر بن عبد العزيز، واخترت ما فيها».

شاهد دیگر بر این امر، آنکه نجاشی که حتی قبل از سال ۵۰۰ (سال وفات او) کتاب فهرست خود را تألیف کرده است «کتاب اختیار الرجال» را جزو کتب شیخ طوسی نام نبرده باینکه فهرست و رجال شیخ و بطور کلی آثار وی را که مربوط به قبل از هجرت شیخ به نجف بوده متعرض گردیده است از مطاوی کتاب بدست می‌آید که کشی فهرست تألیفات و کتب بعضی از رجال را ذیل ترجمه آنان آورده بوده و شیخ، آن قسمت را مشمول اختیار و تلخیص قرار داده و باتکای فهرست خود، آنها را حذف کرده است. شاید باین علت که فنون مختلف علم رجال را که بعداً شرح خواهیم داد از هم جدا کرده باشد و اختیار الرجال، مخصوص روایات و اخبار مربوط بر او بیان بوده باشد.

نکته سوم، اینکه این چهار کتاب گرچه همه از اممات کبری است و همانطور که کتب اربعه حدیث، چهار اصل عمده حدیث شیعه است این چهار کتاب هم کتب اربعه رجال این طائفه محسوب می‌شود اما از لحاظ سبک و موضوع و هدف با یکدیگر فرق دارند و همانطور که علم فقه در آثار فقهی شیخ طوسی بفنون مختلف تقسیم گردیده و هر یک از کتابهای عمده او مانند «نهایه، خلاف، مبسوط» در فنی خاص از فنون فقه نوشته شده است، این چهار کتاب نیز در فنون گوناگون علم رجال است باین شرح:

کتاب فهرست شیخ و فهرست نجاشی همانطور که از نامشان پیداست فهرست کتب و مصنفات و آثار شیعه است. هدف اصلی از تألیف این دو

کتاب که پیر از فهرست معروف ابن ندیم تألیف گردیده همانطور که مؤلف هر دو کتاب نیز در مقدمه تصریح می‌نماید: فهرست مؤلفان و مصنفان شیعه و ذکر آثار و تألیفات آنان در کلیه علوم است. توثیق روایان و جرح و تعدیل رواة غرض و نتیجه تبعی است. اما کتاب رجال شیخ، مخصوص ضبط و احصاء صحابه رسول اکرم (ص) و اصحاب ائمه اهل بیت و راویان حدیث است و بهمین ترتیب مبوب گردیده است. درباره بسیاری از رجال جز ذکر نام توضیح دیگری در این کتاب دیده نمی‌شود و آثار و تألیفات آنان مطلقاً در آن ملحوظ نبوده است.

و اما کتاب «اختیار معرفة الرجال» و اصل آن «معرفة الناقلين» بهیچ يك از این دو منظور تحریر نگردیده بلکه هدف اصلی در تألیف آن دو کتاب ذکر روایات و اخبار مربوط بر اوایان و رجال است و باینکه در این کتاب نام اشخاص بحسب صحابه رسول اکرم (ص) و اصحاب ائمه باب‌بندی نشده و حتی ترتیب حروف «الفبا» در آن مراعات نگردیده است اما با يك سیر اجمالی روشن می‌شود که معرفی طبقات و تقدم و تأخر تاریخ زندگی رجال، تاحدی مورد نظر بوده است. در آغاز، نام برخی از صحابه رسول اکرم که از یاران و شیعیان علی علیه السلام بشمار می‌رفته‌اند دیده می‌شود و بعداً بترتیب نسبی، اصحاب ائمه پی‌درپی (صرف نظر از خلط و اشتباه واقع در پاره‌ای از تراجم) آمده و تدریجاً بر رجال معاصر حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام و سپس رجال عصر غیبت صغری که عده‌ای جز، مشایخ کشی و کلینی بوده‌اند ختم می‌شود.

این کتاب معتبر ترین مأخذ و قدیمترین سند تاریخ تشیع در عصر اول دوران حیات ائمه شیعه و همچنین رابطه شیعیان با ائمه خود، تشکیلات شیعه، فرقه‌ها و دسته‌بندی‌های داخلی، رقابتها و ادعاهای بی‌جای برخی

از مدعیان تشیع، معرفت طبقات غلاة و تندروان و کذابان و بدعت گذاران، و قوف بر روش و سیره ائمه (ع) در مدح و ذم و جرح و تعدیل رواة و تجلیل یا تنقید از آنان، عکس العمل و خط مشی اقلیت شیعه در قبال دستگاه خلافت بنی امیه و بنی عباس و خلاصه پی بردن با سرار تشیع می باشد .

اگر بخواهیم نظیری برای آن ارائه دهیم باید طبقات محمد بن سعد کاتب واقدی را البته در سطح وسیع تر و نسبت بکلیه فقهاء صحابه و تابعین و طبقات پس از آنها تا قرن سوم بعنوان مثال یاد کنیم .

جای بسی خوشوقتی و شکرگزاری است که اینک این کتاب بصورت آبرومندی در اختیار دانشمندان قرار می گیرد .

دانشمند گرامی حجة الاسلام آقای حاج میرزا حسن مصطفوی طی سالها رنج، کتاف رجال کشی مشوش و مملو از غلط را با نسخ قدیمی مصحح مقابله و بقول خودشان آن را از حدود چهار هزار غلط چاپی موجود در چاپ بمبئی نجات داده اند بعلاوه توضیحات و حواشی مفید و ارزنده ای بر کتاب نوشته اند .

اضافه بر همه، آنچه مایه چشم روشنی دانشمندان و محققان خواهد گردید فهرستهای چندی است که بابتکار ایشاد فراهم گردیده و تاکنون برای هیچ يك از کتب رجال، چنین فهرستهای تنظیم نشده است. و همانطور که در مقدمه متعرض شده اند اصولاً تحقیق درباره رجال حدیث، تاهنگامی که کتب رجال با فهرستهای این چنین دور از اغلاط، تجدید طبع نشود میسور نیست .

آنچه بیشتر مایه مسرت است اینست که زحمات ممتد ایشان همزمان با تشکیل کنگره هزاره شیخ طوسی مؤلف کتاب «اختیار معرفة الرجال» و بعنوان یکی از انتشارات این کنگره علمی انتشار می یابد .

دبیرخانه کنگره همینکه اطلاع پیدا کرد که آقای مصطفوی این کتاب را برای طبع آماده کرده‌اند از معظم له تقاضا نمود آنرا در اختیار دبیرخانه قرار دهند تا بعنوان یکی از نفیس‌ترین آثار شیخ طوسی نشر دهد ایشان با آغوش باز این تقاضا را پذیرفتند و اصل نسخه را در اختیار دبیرخانه گذاردند و فهرست‌ها را خود عهده‌دار چاپ آن گردیدند که اینک ضمیمه کتاب در يك مجلد قرار گرفته است .

اینجانب که هیچ‌سهمی در این کار بزرگ علمی ندارد مگر فراهم کردن وسائل چاپ و رسیدگی بطبع کتاب بنوبت خود از معظم له سپاسگزار است . کیفیت طبع از اینقرار بود که پس از غلط‌گیری اول، در مطبعه، فاضل محترم آقای **علی‌اکبر بیداد** غلط‌گیری و تصحیح نهائی آنرا مانند سایر انتشارات کنگره، بعهدہ گرفت، و پس از تصحیح، اینجانب از باب احتیاط کلیه فرم‌ها را با دقت مطالعه و گاهی با اصل تطبیق نمود و لازم است در اینجا از این همکاری بیدریغ ایشان سپاسگزاری نماید .

همچنین وظیفه دارد از جناب آقای **دکتر مینو** استاد محترم دانشکده پزشکی و مدیرعامل چاپخانه دانشگاه مشهد که وسیله چاپ این کتاب و سایر انتشارات کنگره هزاره شیخ طوسی را فراهم نمودند سپاسگزاری بعمل آورد . امید است کلیه کسانی که در این خدمت علمی سهم هستند از نتایج معنوی آن بهره‌مند شوند .

محمد واعظزاده خراسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، محمّد (ص) وآله الطاهرين المعصومين .

وبعد: فإنّ علم معرفة الرجال والمحدثين، علمٌ " يتوقف عليه الافادة من كلمات الرسول واحاديث الأئمة الهداة المطهّرين ، وقد قال الله تعالى في كتابه الكريم: «ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا ان تُصيبوا قوماً بجهالة...» فالحديث المحقق لا يحصل له الاطمينان بمضمون الحديث الا اذا كان راويه ثقة، فلا بدّ له من بذل الجهد في معرفة الرواة والتّافلين، لتلا يُصيب قوماً بجهالة . يقول العلامة على الاطلاق في خلاصة الأقوال: «فانّ العلم بحال الرواة من اساس الأحكام الشرعيّة، وعليه تبنى القواعد السمعية يجب على كلّ مجتهد معرفته وعلمه، ولا يسوغ له تركه وجهله، اذ أكثر الأحكام تستفاد من الأخبار النبويّة والروايات عن الأئمة المهديّة، عليهم افضل الصلوات واكرم التحيّات، فلا بدّ من معرفة الطريق اليهم ، حيث روى مشايخنا رحمهم الله عن الثقة وغيره، ومن يعمل بروايته ومن لا يجوز الاعتماد على نقله، فدعانا ذلك الى تصنيف مختصر في بيان حال الرواة ،

من يعتمد عليه ومن يترك روايته» .

وقد صنّف علماؤنا من المتقدمين والمتأخرين، في هذا الفن كتباً ورسائل، ومن هذه الرسائل: الكتب الأربعة الرجالية، وهي اختيار معرفة الرجال، ورجال الشيخ، وفهرست الشيخ، وفهرست النجاشي .

وهذه الكتب تعدّ أصول الرسائل المؤلّفة في هذا العلم، وعلیها المدار والاستناد في المصنّفات اللاحقة، وأقدم هذه الكتب: هو رجال الكشي الذي لخصه شيخ الطائفة الامامية ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (رضوان الله عليه) فكفى لهذا الكتاب المنيف شرفاً واعتباراً .

في فهرست الشيخ (رقم ٦٠٤ ط نجف) : «محمد من هو الكشي ؟ ابن عمر بن عبدالعزيز الكشي يكنى ابا عمرو ، ثقة بصير بالأخبار و بالرجال، حسن الاعتقاد ، له كتاب الرجال، اخبرنا به جماعة عن ابي محمد التلعكبري عنه» . اقول: ابو محمد التلعكبري هو كما في الخلاصة (ص ١٨٠) «هارون بن موسى بن احمد، جليل القدر عظيم المنزلة واسع الرواية عديم النظير ثقة وجه اصحابنا معتمد عليه لا يطعن عليه في شيء ، مات سنة ٣٨٥ رحمه الله» . فيستفاد من هذا الكلام امران : الأول - مدى منزلة الكشي حيث يروي عنه هذا الشيخ الجليل . والثاني - عصره ، فهو عاش في النصف الأول من القرن الرابع .

ويقول النجاشي في فهرسته (ص ٢٨٨) : «محمد بن عمر بن عبدالعزيز الكشي ابو عمرو، كان ثقة عينا و روي عن الضعفاء كثيراً وصحب العياشي

واخذ عنه و تخرج عليه وفي داره التي كانت مرتعا للشيعة واهل العلم، له كتاب الرجال كثير العلم، وفيه اغلاط كثيرة، اخبرنا احمد بن علي بن نوح وغيره، عن جعفر بن محمد، عنه، بكتابه .

اقول: ان جعفر بن محمد هو كما جاء في فهرست الشيخ (رقم ١٣٠): «جعفر بن محمد بن قولويه القمي يكنى ابا القاسم ، ثقة، له تصانيف كثيرة اخبرنا برواياته وفهرست كتبه جماعة من اصحابنا منهم ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفيد، عن جعفر بن محمد» .

وفي رجال الشيخ (ص ٤٥٨ ط نجف): «انه مات سنة ٣٦٨» .
وجاء في النجاشي (ص ٩٥) انه من ثقات اصحابنا واجلائهم في-
الحديث والفقه» .

فيستدل بهذه الكلمات على الأمور :

الأول - ان الكشي من مشايخ جعفر بن محمد ، وقد مات طبعاً قبل موته، وعليهذا لم يدركه المفيد ، كما ان الكليني ايضاً من مشايخ جعفر بن محمد كما يظهر من اسناد كتابه «كامل الزيارات»، وكان مولد المفيد سنة ٣٣٦ .

الثاني انه ثقة عين و يؤيده رواية جعفر بن محمد عنه .

واما روايته عن الضعفاء: فهو يخالف القول بوثاقته، ولا بد ان يقال: انه يروي عن مَنْ كان يعتمد على قوله، وان كان يمكن ان يكون الرجل ضعيفاً في نظر غيره على اختلاف المباني في بعض المعاني - كالغلو وامثاله .

ويقول الشيخ فى رجاله (ص ٤٩٧ ط نجف) : «محمد بن عمر بن عبد العزيز يكتنى اباعمر والكشّى ؛ صاحب كتاب الرجال، من غلمان العيّاشى، بصير بالرجال والأخبار ، مستقيم المذهب» .

اقول: إنّ الغلام، فى مصطلح علم الدراية: هو التلميذ والمتأدب بتأديب الأستاذ و تعليمه و تربيته .

واما العيّاشى: فهو محمد بن مسعود بن محمد بن عيّاش السمرقندى من مشايخ الكشّى .

روى ابو عمرو الكشّى فى رجاله عن رجال مشايخ الكشّى نذكرهم هنا حسب ترتيب حروف الهجاء ونشير الى موارد روايته عنهم بارقارم الأحاديث :

- ١- آدم بن محمد القلانسى البلخى - ٤٣، ٣٣٨، ٩٢٤... راجعه .
- ٢- ابراهيم بن على الكوفى السمرقندى - ٤٤٨، ٥٥٢
- ٣- ابراهيم بن محمد بن العباس الختلى - ٣، ٢٠٢، ٢١٣، ٣٧٨... راجعه
- ٤- ابراهيم بن مختار بن محمد - ٩١٦ .
- ٥- ابراهيم بن نصير الكشّى - ٤، ١٢، ٤١، ٥٠، ٥١، ٥٨... راجعه .
- ٦- ابراهيم الوراق السمرقندى - ٤٨١ .
- ٧- ابو الحسن بن ابى طاهر - ٧٧٠ .
- ٨- ابو سعيد بن سليمان - ٦٩٨ .
- ٩- ابو عمرو بن عبد العزيز - ٩
- ١٠- ابو محمد الشامى الدمشقى - ٤٦٣، ٧٩١ .

- ۱۱- احمد بن ابراهيم السننى ابوبكر - ۱۱۴۸ .
- ۱۲- احمد بن ابراهيم القرشى ابوجعفر - ۷۱۵ .
- ۱۳- احمد بن على القمى السلولى الشقران - ۴۹ ، ۹۹۰ ، ۱۰۹۵
راجعه .
- ۱۴- احمد بن على بن كلثوم السرخسى - ۱۰۱۸ ، ۱۰۸۴ ، ۱۰۸۷ .
- ۱۵- احمد بن محمد الخالدى ابوالحسن - ۴۷۷ .
- ۱۶- احمد بن منصور الخزاعى - ۷۱۴ ، ۷۳۴ .
- ۱۷- احمد بن يعقوب ابو على البيهقى - ۱۰۲۸ .
- ۱۸- جبريل بن احمد الفاريابى - ۷ ، ۱۳ ، ۲۱ ، ۲۶ ، ۲۷ ... راجعه .
- ۱۹- جعفر بن احمد بن ايثوب السمرقندى - ۶۶۳ ، ۷۹۲ .
- ۲۰- جعفر بن محمد ابو عبدالله الرازى الخوارى - ۴۶ .
- ۲۱- جعفر بن محمد بن معروف - ۵۳ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۸۹ ، راجعه .
- ۲۲- حسين بن الحسن بن بشار القمى - ۱۱۱ ، ۱۷۵ ، ۲۱۸ ، ۲۲۰ ... راجعه
- ۲۳- حمدان بن احمد ابوجعفر القلانسى - ۲۹۲ ، ۲۶۴ ، ۲۹۲ ، ۷۵۷ .
- ۲۴- خالد بن حامد ابوصالح - ۱۰۷۶ .
- ۲۵- خلف بن حماد ابوصالح الكشى - ۳۹ ، ۲۵۸ ، ۳۹۰ ، ۴۴۵ ...
راجعه .
- ۲۶- خلف بن محمد السلقب بالمنان الكشى - ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۵ -
- ۲۷- سعد بن صباح الكشى ۴۲۲ ، رجب ۲۸۰ - طاهر بن عيسى رجب
راجعه .

- ٢٩- عبد بن محمد النخعي الشافعي السمرقندي - ١١٧ .
- ٣٠- عبدالله بن محمد بن خالد الطيالسي - ٣٨٠ ، ٣٩١ ، ٧٦٢ .
- ٣١- عثمان بن حامد الكشي - ١٢٨ ، ١٩٨ ، ١٩٩ ، ٣٠٧ ... راجعه .
- ٣٢- علي بن الحسن - ٤٥ ، ٣٠١ .
- ٣٣- علي بن محمد بن قبيبة النيسابوري - ١٦ ، ٣٨ ، ٥٤ ، ٥٦ ... راجعه .
- ٣٤- علي بن يزيد الصايغ الجرجاني - ١٠٩ .
- ٣٥- عمر بن علي التقيسي ابو الحسن - ٢٠٥ .
- ٣٦- محمد بن ابراهيم ابو عبيد الله - ٧٩ ، ٤٣٤ ، ٤٣٣ .
- ٣٧- محمد بن ابي عوف البخاري - ٢ ، ٤٨ ، ٥٧ .
- ٣٨- محمد بن احمد بن شاذان - كتب اليه - ٤٠٨ .
- ٣٩- محمد بن اسماعيل البندقي النيسابوري - ١٧ ، ١٨ ، ٣٥٦ ، ٨١٧ .
- ٤٠- محمد بن بحر الكرمانى الدهنى النرماشيرى - ٢٣٥ .
- ٤١- محمد بن بشر - ٣٢١ .
- ٤٢- محمد بن الحسن البراثي - ٥٥ ، ١٦٧ ، ٣٠٧ ... راجعه .
- ٤٣- محمد بن الحسن بن بندار القمي - وجدت بخطه - ٢٠٦ ، ٣٩٦ ، ٩٥٧ راجعه .
- ٤٤- محمد بن الحسن الكشي - ١٢٨ ، ١٩٨ ، ١٩٩ ، ٣٢٧ ... راجعه .
- ٤٥- محمد بن الحسين بن احمد الفارسي - ٨٢٧ .
- ٤٦- محمد بن الحسين بن محمد الهروي - ١٠٢٧ ، ١٠٢٨ .

- ٤٧- محمد بن رشيد ابوسعيد الهروي - ٥٠٦ .
 ٤٨- محمد بن سعد بن مزيد الكشي - ٢ ، ٤٨ ، ٥٧ ، ١٠٩٧ ، ١١٣١ .
 ٤٩- محمد بن علي بن قاسم بن ابي حمزة القمي - ٧٩٠ ، ١٠٥١ .
 ٥٠- محمد بن قولويه القمي - ٢٠ ، ١١١ ، ١٧٠ ، ١٧١ ، ... راجعه .
 ٥١- محمد بن مسعود العياشي السمرقندي - ٦ ، ٩ ، ١٤ ، ٢٢ ، ... راجعه .

- ٥٢- محمد بن يحيى الفارسي - ٩٢١ .
 ٥٣- نصر بن الصَّبَّاح البلخي - ٨ ، ٤٢ ، ٤٤ ، ١٢٥ ، ... راجعه .
 فهذه ثلاثة وخمسون شيخا يروى عنهم الكشي بلا واسطة احد، على ظاهر العبارة . بل ٥٤ مع صدويه .

يقول العلامة الطهراني في مصفّي المقال (ص
 رجال الكشي ٣٧٥): «وله الرجال الموسوم بمعرفة الناقلين ،
 كان فيه العامة والخاصة، وكان فيه اغلاط، فعمد
 اليه شيخ الطائفة وجرد منه الخاصة ، وهذبه وسمّاه اختيار الرجال وهو
 الموجود المطبوع اليوم، وقد رتبته السيد يوسف العاملی، والمولى عناية
 الله القهپائي، والشيخ داود الجزائري» .

وقد مرّ عن النجاشي: انّ له كتاب الرجال كثير العلم .
 وجاء في فرج المهموم للعلامة ابن طاوس (ص ١٣٠ ط نجف) :
 «فامّا ذكرنا عنه في خطبة اختياره لكتاب الكشي ، فهذا لفظ ما وجدناه:
 املی علينا الشيخ الجليل الموفق ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي

ادام الله علوه، وكان ابتداء املائه يوم الثلاثاء السادس والعشرين من صفر سنة ست وخمسين واربعمائة في المشهد الشريف الغروي على ساكنه السلام قال: هذه الأخبار اختصرتها من كتاب الرجال لأبي عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزيز، واخترت ما فيها. ثم يقول في الكتاب (ص ١٣١) «فهذا لفظ ما روينا من خطه رضى الله عنه». ويقول الشيخ ابوعلى الحائري في منتهى المقال «(محمد بن عمر): اقول - ذكر جملة من مشايخنا ان كتاب رجاله المذكور كان جامعاً لرواة العامة والخاصة خالطاً بعضهم ببعض، فعمد اليه شيخ الطائفة طاب مضجعه فليخصه واسقط منه الفضلات، وسمّاه باختيار الرجال والموجود في هذه الأزمان بل وزمان العلامة وما قاربه انما هو اختيار الشيخ لا الكشّى الأصل» .

اقول : اما وجود الأغلاط فيه : فان كان المراد به اغلاط وقعت في الألفاظ من النسخ : فصحيح، ولكنه لا يقتضى التلخيص والاختيار ، مع انّ اغلب النسخ الموجودة مغلوطة ايضاً وان كان المراد وجود اغلاط معنويّة: فلا تتفق معه، فان الكتاب قد احتوى على الأحاديث الواردة في احوال الرجال وليس فيه آراء من المصنّف حتى تكون صحيحة او سقيمة. الا ان يراد الخلط الواقع في الأحاديث والاشتباه في العناوين، كما هو موجود في بعض موارد الاختيار . و يدفع ذلك انّ هذه الاشتباهات موجودة في الكتاب الموجود لافى اصل الكتاب ، ولقائل ان يقول: انّها حدثت في الاختيار لفقدان القرائن و اختلال عرض في النظم والترتيب، والعجب من الشيخ رضوان الله عليه كيف غفل عن التنبيه الى هذه.

المواضع المشتبهة بل كيف ولم يصلحها في مقام الاشارة . وهذا القول يدفعه علو مقام الشيخ وسمو مرتبته الشامخة التي تأبى عن هذا الاتهام فلا يدعيه احد " ممن له ادنى معرفة بمقام الشيخ رضوان الله عليه .

واما تجريد الكتاب و تلخيصه عن العامة : فان كان المراد به التجريد من رجال العامة الذين لم يرووا للشيعة ولا روت الشيعة عنهم : فمعناه صحيح، ولكن من المستبعد جداً ان يكون المؤلف قد روى احاديث متعلقة و مربوطة بأفراد من العامة بهذا المعنى العام. وان كان المراد به التجريد من الذين رووا للشيعة او روت الشيعة عنهم: فهو غير صحيح، لوجود عناوين مرتبطة بهذا النوع من الرواة في الكتاب ، وقد اشرنا اليهم في الفهرست، الذي رتبناه للكتاب في بعض الموارد .

واما الخلط في ترتيب الكتاب : فهو خطأ فاحش لانه يوجب نقض الغرض من التصنيف، فان الكتاب قد صنف على ترتيب الطبقات مما يتطلب المعرفة بالرجال و تمييز المشتركات، ومع هذا يمكن ان يزول بتغيير النظم، القرائن المقارنة بالكلام لأداء المعنى المراد .

مع ان وجود كتاب الاختيار بخط الشيخ عند السيد ابن طاوس رضوان الله عليهما : اتقن دليل على موضوع البحث، ولا سيما مع التصريح فيه في اول الكتاب بان الشيخ املى هذا الكتاب .

و يدل ذلك على ان الشيخ املى كتاب الكشي في مجالسه على تلاميذه و اختار في الأملاء ماشاء اختياره من اصل الكتاب، ولم يجد بعد فرصة للتحقيق والمراجعة .

ولمّا ساعدنا التوفيق لمقابلة هذا الكتاب وتصحيحه،

التّشخّص التّي
عندنا من الكتاب
فمن الله تعالى علينا، حيث ظفرنا بنسخ ممتازة من
الكتاب وهي هذه :

١- (النسخة) - نسخة قيمة قديمة مصحّحة تقع في ٤١٦ ص، ويرجع تاريخ كتابتها الى ٥٧٧هـ، اولها يبتدء من حديث ٣، و آخرها حديث ٨٥٧، وهو خاتمة الجزء الخامس، وجاء في آخرها : و يتلوه الجزء السادس ماروى عن رهم الأنصارى، والحمد لله رب العالمين وحسبنا الله ونعم الوكيل، والصلاة على سيّدنا محمد النبي و آله الطيّبين الطاهرين .

فرغت من كتابته يوم الأربعاء رابع عشر ربيع الأول من سنة سبع و سبعين و خمسمائة هجرية، وكتب منصور بن علي بن منصور الخازن .
وكتب بخط آخر بعده في الحاشية : «بلغ المقابلة من اوله الى آخره وصحّح والله المنّة» . وبهذا الخط في خمسة مواضع من حواشي الكتاب جاء هكذا: «بلغ المقابلة بقراءة السيّد نجم الدين محمد بن ابي هاشم العلوى كتبه يحيى ابن الحسن بن البطريق» .

وجاء في الذريعة (ج ١ ص ٣٦٥) : «واصحّ ما رأيت، النسخة التي اشتراها سيّدنا العلامة الحسن صدر الدين بخط الشيخ نجيب الدين تلميذ صاحب المعالم، وشاركه استاذ، في كتابة بعض صفحاته، وقد كتبها عن نسخة بخط الشهيد الأول منقولة عن نسخة كان عليها؛ تملك السيّد ابي- الفضائل احمد بن طاوس، وهي كانت بخط علي بن حمزة بن محمد بن شهریار الخازن، وفرغ من كتابتها بالحلّة سنة ٥٦٢ هـ» .